

قانون امور حسبی در نظم حقوقی کنونی

۹۰۰ صفحه، تشریحی، انتقادی و بعضاً همراه با آسیب‌شناسی موضوعات و قوانین موضوعه

برای محققان، قضایا، حقوقدانان و داوطلبین آزمون‌های اختبار کانون وکلای
و مدیران کانون‌ها مرکز امور مشاوران و وکلای قوه قضائیه

وelfan:

دکتر علی دریبی و سعید صالح احمدی



سرشناسه: دریمی، علی، ۱۳۵۱-

عنوان قراردادی: ایران. قوانین و احکام / Iran. Laws, etc.

عنوان و نام پدیدآور: قانون امور حسبی در نظم حقوقی کنونی (۹۰۰ نکته تفسیری، تشریحی، انتقادی و بعضاً همراه با آسیب‌شناسی موضوعات و قوانین موضوعه) / مولفان علی دریمی، سعید صالح‌احمدی.

مشخصات نشر: تهران: گالوس، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۶۶۳ص.

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: امور حسبی -- ایران

موضوع: Probate law and practice -- Iran

موضوع: قانون مدنی -- ایران

موضوع: Civil law -- Iran

نسخه: نسخه: صالح‌احمدی، سعید.

رده: دی: ۱۳۹۷ / ۲۴ / ۴۸۳۰ KMH

رده: بند: دیو: ۵۱ / ۵۵ / ۳۲

شماره کتابش: سی: ۵۵۵۹۸۶۵



قانون امور حسبی در نظم حقوقی کنونی

تألیف: دکتر علی دریمی - سعید صالح‌احمدی
ناشر: گالوس
چاپ اول: ۱۳۹۸
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۹۱-۶-۱
قیمت: ۵۰ تومان

کلیه حقوق این اثر برای انتشارات گالوس محفوظ است.
هرگونه کپی برداری و تهیه جزوه از متن کتاب، استفاده از طرح روی جلد و عنوان کتاب جرم است و متخلفان طبق قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

دفتر مرکزی: تهران، خیابان توانیر شمالی، پلاک ۲۵ واحد ۲
تارنما: www.gamehaq.com فروشگاه اینترنتی: www.legalbooks.ir

فهرست مطالب

۱۱	 سخنی با شما
۱۵	 باب اول: در کلیات
۱۲۳	 باب دوم: در قیمومیت
۱۲۵	 فصل اول: صلاحیت دادگاه قیمومیت
۱۳۹	 فصل دوم: در ترتیب تعیین قیم
۱۷۶	 فصل سوم: اختیارات و مسؤولیت قیم
۲۲۲	 فصل چهارم: در عزل قیم
۲۳۸	 باب سوم: امور راجع به اموال
۲۹۰	 باب چهارم: راجع به غایب خودالاثر
۲۹۲	 فصل اول: در صلاحیت دادگاه
۲۹۹	 فصل دوم: در تعیین امین
۳۰۶	 فصل سوم: دادن اموال به طور موقت به تصرف امین
۳۳۹	 فصل چهارم: در حکم موت فرضی
۳۶۸	 باب پنجم: در امور راجع به ترکه
۳۷۰	 فصل اول: در صلاحیت
۳۷۴	 فصل دوم: در مهر و موم
۳۸۹	 فصل سوم: در برداشتن مهر و موم
۳۹۳	 فصل چهارم: در تحریر ترکه

فصل پنجم: دیون متوفی	۴۰۲
مبحث اول: استیفاء دین از ترکه	۴۰۲
مبحث دوم: قبول ترکه	۴۷۲
مبحث سوم: رد ترکه	۴۹۰
مبحث چهارم: قبول دیون مطابق صورت تحریر ترکه	۴۹۲
مبحث پنجم: تصفیه	۴۹۵
فصل ششم: راجع به وصیت	۵۰۳
فصل هفتم: در تقسیم	۵۴۰
فصل هشتم: در ترکه متوفای بلا وارث	۵۸۱
فصل نهم: راجع به ترکه اعیان خارجه	۶۰۵
فصل دهم: در تصدیت احوال وراثت	۶۲۰
باب ششم: در هزینه	۶۶۰

سخنی با شما

قانون امور حسبی در زمره قوانین مهم کشور ما است که وضعیت خاص و واقعاً منحصر به فرد خود را دارد تا جایی که به عنوان مصداق، برخلاف رویه متعارف قانون گذاری، توأمان حاوی مقررات شکلی و ماهوی در جهت اهداف مندرج در قانون موصوف است. البته مبرهن است که این مسأله خللی در ترتیب آثار خاص بر هر کدام از قوانین موجد حق (ماهوی) و همچنین قوانین تضمین کننده حق که بیشتر واجد جنبه های شکلی می باشند، ایجاد نمی کند.

یکی از پرسش های مطروحه پیرامون قانون امور حسبی این است که چرا با وجود اینکه ترات این چنینی به طور معمول در قوانین مدنی می آیند، در حقوق ما به صورت مسأله و علی حده از قانون مدنی، تدوین و به تصویب رسیده است؟ پاسخ این پرسش را می توان با مذاقه در تاریخ حقوق ما یافت. وقتی به موجب ماده و ماده فین اجازه اجرای لایحه قانونی مدنی تا موقع اعلام رأی قطعی کمیسیون پیرامان بدلیه مصوب ۱۳۰۷/۰۲/۱۸ مجلس شورای ملی اعلام گردید: «دولت مجاز است از روز ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ که کاپیتولاسیون ملغی است، لایحه قانون مدنی را که در مجلس شورای ملی تقدیم داشته تا وقتی که رأی قطعی کمیسیون قوانین عدالت در مجلس شورای ملی اتخاذ و اعلام شود، به موقع اجرا گذارد.» تدوین کنندگان قانون مدنی که غرور ایرانی ها را به واسطه کاپیتولاسیون لگه دار دیدند، می خواستند به تیر غرورشان فوراً اتهام فقدان وجود قانون مدنی را از پیشانی طفل نوپای حقوق ما که یک بزرگوار بود فقط جامه فاخر قانون را بر تن داشته باشد، بزدایند. این مسأله وحشی با ستم سرعت گرفت که شهرت قانون مدنی فرانسه که مردم آن کشور به واسطه آن، به جهان فخر می فروختند، موج تصویب قانون مدنی را به راه انداخته بر روی دیگر اینکه در کشور همسایه ما (ترکیه) نیز قانون مدنی به تصویب رسیده بود که در کشور ما و عثمانی ها در دوره اسلامی همواره در رقابت فرهنگی بودند، این عامل، موجب شتاب تصویب قانون مدنی در کشور ما شد و مزید بر علت گردید تا قانون امور حسبی به مانند قانون مسوولیت مدنی، قانون حمایت خانواده، قانون بیمه و چند قانون دیگر در هنگام تدوین قانون مدنی، از قلم بیافتند و در راستای تکمیل قانون اخیر به عنوان یک قانون ماهوی و همچنین اجرای مقرراتی از آن، که واجد

جنبه‌های شکلی می‌باشند، قانونی تحت عنوان «قانون امور حسبی» در جلسه دوم تیرماه سال ۱۳۱۹ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

وقتی عمیق‌تر به منابع علمی حقوق ما پیرامون قانون امور حسبی که به درک بیشتر آن انجامیده می‌نگریم، متوجه می‌شویم با وجود آثار فاخر منتشره در گذشته در رابطه با آن و همچنین این اثر علمی ناچیز به سبک شرح ماده به ماده به سیاق مرحوم دکتر کاتوزیان استاد ممتاز دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، به نظر می‌رسد قانون امور حسبی همچنان حاجت به تأویل و تفسیر بیشتر، عمیق‌تر و مخصوصاً انتقادی‌تر از آنچه پیشتر دانیان حقوق به صورت علیحده و اختصاراً یا در ضمن آثار مربوطه انجام داده‌اند، دارد؛ زیرا با وجود اینکه منادیان و محققان ایجاد رویه قضایی در معنای خاص کلمه - که هیئت عمومی دیوان عالی کشور عهده‌دار تحقق آن است - در مواردی به آن ورود پیدا نموده‌اند، اما باز در بسیاری از موارد، همان مقررات قانونی را در آراء خود آورده‌اند که از این جهت، ناامید کننده جای، تفکر دارد و بدین جهت تحقیقاً باید گفت، این آراء، آن چنان که باید مشعر را از جامعه حقوقی ما حل ننموده‌اند. به اعتقاد نگارندگان شاید وضع به طرف، این علت باشد که حتی دانیان قضایی ما در هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز به قانون امور حسبی را سهل شمرده‌اند و از آنجائیکه آن را به صورت کاملاً مورد اندیشه و درک عمیق خود قرار نداده‌اند، همان نصوص قانونی را در آراء تکرار کرده و متأسفانه همچنان می‌کنند. به اعتقاد ما، این وضعیت به واسطه سهل‌مسع بودن و عدم کشف ابعاد مختلفه قانون امور حسبی پدید آمده و بدین جهت، به خلاف اهمیت موضوعی و علمی شایسته ابواب و فصول قانون امور حسبی، قانون، به هر چنان با وجود اینکه بسیاری از دانیان حقوقی ما در دانشگاه‌ها با دکتترین کلاس‌ها و پیرانگیز خود، سعی در رفع ابهامات موجود نموده‌اند اما به اعتقاد خود آن، باز، پیکر و دست نخورده مانده است و همچنان مستغنی و بی‌نیاز از ارائه طایفه کس کرده به وسیله استنباط و استدلال نمی‌باشد. در این خصوص، به نظر می‌رسد اگر مجلس شورای اسلامی در راستای صلاحیت مندرج در قسمت نخست اصل ۷۳ قانون اساسی که اشعار داشته: «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است»، مجموعه‌ای از استفساریه‌ها را در مورد قانون امور حسبی انجام دهد، بتوانیم بیشتر از پیش شاهد اجرای بهتر و شفاف‌تر این قانون به عنوان یکی از قوانین مهم و خطیر باشیم چراکه باید بگوئیم قانون مزبور، یکی از حمایتی‌ترین قوانین موضوعه ما در دوران قانون‌گرایی و قانون‌نگاری است که هر چند بوی

کهنگی به خود گرفته اما باز سرنوشت بسیاری از اشخاص که به نحوی امور زندگی شان با آن گره خورده است، موکول به روشن تر شدن ابعاد مختلفه قانون امور حسبی است و از آنجائیکه به واسطه ابهامات فراوان در این قانون، این قبیل امور، گاه مورد سواستفاده قرار می گیرند، اگر ما همچنان در تبیین روشن تر مواد قانونی آن تعلل کنیم، به عنوان مثال، بر خلاف آیه ۱۰ سوره مبارکه نساء، شاهد تداوم برخی سواستفاده ها از اداره اموال محجورین خواهیم بود که چنین وضعی ولو در یک مدت کوتاه، خوشایند جامعه دارای قوه قانون گذاری نیست که قواعد قانونی پیرامون اداره اموال غائب و همچنین محجورین، اینقدر محتاج به ایضاح و تبیین روشن باشد. در موارد نقص قانون نیز وقتی حسب اصل ۱۷۳ ق.ا به منابع و مراجع قضایی و فتاوی معتبر مراجعه می کنیم، باز شاهد وجود برخی تشتت آراءها، ابهامات و ترسناک تر از آنست که خود غربی ها مقررات مورد استفاده ما را به مرور زمان، مورد حقوق اختراعات که خود غربی ها مقررات مورد استفاده ما را به مرور زمان، مورد اصلاح قرار داده اند و ما همچنان اصرار داریم که باید از حقوق روز و نوین جهان، عقب باشیم.

قانون امور حسبی، اغلاط و اشکالات قابل توجهی دارد. به عنوان مثال با اینکه بر مبنای ماده ۱ که اشعار داشته: «امور حسبی اموری است که دادگاه ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیم می اندازند نمایند بدون این که رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و سرعه این اشخاص و اقامه دعوی از طرف آنها باشد.» شهره افواه و زبانزد حقوق دانان است که امور مزبور، غیرترافعی هستند و این در حالی است که اتفاقاً در مواردی، ترافعی و اختلاف در این قبیل امور تا حدی پیش می رود که بیم سفک دماء در آن، محسوس است و اشخاص مبادرت به اقامه دعاوی متعدده نسبت به یکدیگر می کنند. همچنین تکام موضوع قانون مزبور (مانند حکم موت فرضی، حکم حجر و بقای حجر، حکم عزل و قبول اعتراض به درخواست انحصار وراثت، حکم تقسیم ترکه، حکم عزل وصی، حکم عزل قیم و حکم ضم امین)، تصدیقات، تصحیحات (مانند امکان تغییر تصمیم، بخذه بیشین مبتنی بر خطا موضوع اختیار قانونی مندرج در ماده ۴۰ برای قاضی، تصمیمات و دستورهای موضوع اجرای قانون امور حسبی، حتی در مواردی که ذاتاً اعلامی است، در مرحله اجراء، توأم با تنش و اختلاف است و دادگستری ها محلی برای رفع اختلافات تلقی می گردد. همچنین مواردی مشاهده گردیده که وراثت به واسطه آز خود، بعد از فوت مورث، همچنان مترصد ابطال برخی معاملات متوفی بوده اند و یا اینکه در اجرای صحیح وصایای متوفی، مقاومت می نمودند و یا اینکه

بسته به مورد، اصل وصیت یا فرآیند تقسیم ترکه را زیر سوال می‌برند و در راستای به اجراء گذاشتن برخی کینه‌توزی‌ها و انتقام‌جویی‌ها، در امور، اخلال ایجاد می‌نمودند که واقعاً درک و تحلیل اینکه چرا قانون‌گذار در ماده ۱ می‌گوید: «رسیدگی به امور حسبی متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آنها نمی‌باشد» برای نگارندگان، سخت است. به نظر می‌رسد قانون‌گذار باید در اصلاحات بعدی قانون امور حسبی، از برخی عبارت‌سازی‌های مخالف واقعیت مسائل، دست شوید. به عنوان دیگر مصداق، وقتی به متن قانون امور حسبی می‌نگریم، مشاهده می‌کنیم قانون‌گذار از همان ماده اول، بنا را بر بی‌دقتی گذاشته است و با وجود اینکه فایده عملی آن‌چنانی در ارائه تعریف از «امور حسبی» نبوده، باز به تبیین تعریف اصرار داشته است. یکی از انتقادات وارده نگارندگان به تعریف مورد اشاره، اصرار به ادامه به کارگیری لفظ «دادگاه‌ها» در ماده ۱ است که به نظر می‌رسد بعد از تأسیس برخی نهادهای قانونی و اختیارات مراجع قضایی در معنای عام کلمه، لفظ مزبور اکنون مسامحتاً در معنای عام کلمه به کار می‌رود. زیرا می‌دانیم که امروزه علاوه بر دادگاه‌های عمومی و دادگاه‌های محاکمات خرد، شوراهای حل اختلاف و دادرها نیز اجرای قسمت‌هایی از قانون امور حسبی را عهده‌دار هستند. بنابراین لازم است، طی یک قانون‌گذاری مجدد از نو، بیان گذاشته شود تا بتواند پیوندهای عمیق‌تری را با واقعیت‌های موجود جامعه، از، پدید آورد.

علی دری و سعید صالح احمدی

۱۳۹۶/۰۳/۲۲

تهران